

Mohammad Bin Salman and the transition from Pan-Wahhabism to a secular system in Saudi Arabia; roots and consequences

Abdolreza Alishahi*

Received: 2020/10/30

Ebrahim Barzegar**

Accepted: 2021/08/10

Mohammad bagher Khorramshad***

Abbas ali Rahbar****

Abstract

Saudi Arabia can be considered the ruler of the Sunni world. This country with conservative structure was considered an effective model for many countries in the Persian Gulf and the Islamic world, was confronted with the emergence of Muhammad ibn Salman as crown prince faced some profound developments. In verifying this hypothesis, many cases can be implied. Revival of women's rights, 2030 Development Document, the scope of political relations with the West and the use of Western development models and other issues. In this article, the authors try to provide a convincing and reasoned answer to this question: How can analyze the ideological and objective developments in the political system of Saudi Arabia in the Bin Salman period. The authors' hypothesis by using Chalmers Johnson theory and written and virtual sources and interpretive method (research method) shows that the ideological and objective developments in Saudi Arabia in the period of Bin Salman paved the way for the country's transition from one the traditional Wahhabi system has become a secular system. The consequences of this issue can be examined in two major parts, ideological and objective. In the ideological section, we can see the emergence of new value and ideological groups in the Saudi system, the gradual isolation and boycott of Wahhabi scholars and scholars as the most important source of legitimacy for the Saudi government and monarchy, the growing decline of religious and Islamic values in this The country and the gradual cessation of the pattern of Wahhabism were referred to the region and other parts of the Islamic world.

Keywords: Bin Salman, Saudi Arabia, Traditional Wahhabism, Secularism, Patrimonialism, Development.

* PhD. Student of Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, I.R.Iran
(Corresponding author).

abdolreza.alishahi@yahoo.com

** Professor of Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, I.R.Iran.

barzegar@atu.ac.ir

*** Professor of Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, I.R.Iran.

mb.khorramshad@gmail.com

**** Associate Professor of Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, I.R.Iran.

aa.rahbar@atu.ac.ir

محمد بن سلمان و گذار از پان وهایسم به نظام سکولار در عربستان سعودی؛ ریشه‌ها و پیامدها

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۹

مقاله برای بازنگری به مدت ۴۳ روز نزد نویسندگان بوده است.

عبدالرضا عالیشاهی*

ابراهیم برزگر**

محمدباقر خرمشاد***

عباسعلی رهبر****

چکیده

با حضور محمد بن سلمان در مقام ولیعهدی بسیاری از سیاست‌های مبتنی بر تقدیس سنت و محافظه‌کاری در نظام عربستان با تطورات عمیقی مواجه شد، مانند: احیای حقوق بانوان، سند توسعه ۲۰۳۰، گستره دامنه روابط سیاسی با غرب و بهره‌گیری از الگوهای توسعه غربی. پرسش نویسندگان این است که: تحولات نظام سیاسی عربستان در دوره بن سلمان را چگونه می‌توان تجزیه و تحلیل کرد؟ یافته مقاله مبتنی بر نظریه جانسون، حکایت از آن دارد که تحولات نظام عربستان سعودی در دوره بن سلمان بستر ساز گذار این کشور از یک نظام وهابی سنتی به نظامی سکولار شده که تجلی آن را می‌توان در سه مسئله کلان ملاحظه نمود: مصالحه‌ناپذیری نخبگان - اعم علمای ارشد وهابی و شاهزادگان مدعی قدرت - و سلطنت، رکود قدرت در پساترامپ و ظهور ارزش‌های جدید در نظام عربستان سعودی.

واژگان کلیدی: پاتریمونیاالیسم، توسعه، سکولاریسم، عربستان سعودی، محمد بن سلمان، نظریه ساختاری کارکردی، وهایسم سنتی.

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).
abdolreza.alishahi@yahoo.com

** استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

barzegar@atu.ac.ir

*** استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

mb.khorramshad@gmail.com

**** دانشیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

aa.rahbar@atu.ac.ir

0000-0003-4170-1316

مقدمه

بیان مسئله: مذهب و نفت دو ستون اصلی در ساختار حکومتی عربستان سعودی به شمار می‌روند. ستون اول تولیدکننده مشروعیت و مبانی ایدئولوژیک حاکمان سعودی است و ستون دوم تسهیل‌کننده فرهنگ کلاینتالیسم^۱ و جلب حمایت خارجی است (فرزین‌راد؛ فروزان و عالی‌شاهی، ۱۳۹۸، ص. ۵۳). مسئله مهم در این میان، جایگاه اندیشه وهابیت به مثابه یک آبخشور اندیشه‌ای مهم و اثرگذار در عربستان به‌ویژه دوران ولائیتعهدی محمد بن سلمان می‌باشد. از یک سو بن سلمان شخصیت جاه‌طلب و مدعی نخست پادشاهی آینده عربستان سعودی است و از سویی دیگر، فشارها و اتهامات وسیع بین‌المللی در خصوص رادیکالیسم و افراط وهابیسیم سنتی (اتهاماتی نظیر حمایت تروریسم، خشونت، شکنجه، اعدام و نقض عمده حقوق بشر) (Nahouza, 2018, p. 119) همواره برای سعودی‌ها چالش‌های وسیعی در سطح بین‌المللی و حتی داخلی ایجاد کرده است (Ward, 2018, p. 64)؛ بنابراین بن سلمان برای تحقق توسعه در عربستان سعودی و گذار به یک نظام توسعه‌یافته سکولار با چالش‌های اندیشه‌ای و عینی وسیعی با وهابیسیم سنتی و علمای اعظم وهابی قرار دارد.

اهمیت: این مسئله از دو حیث دارای اهمیت است. یکم، با گذر به یک نظام مبتنی بر سکولاریسم، به نظر می‌رسد بایستی شاهد اعمال تغییرات وسیع در نظام ارزشی سعودی‌ها باشیم و این امر برای ایران دارای اهمیت راهبردی است؛ دوم، پیدایش گروه‌های جدید اندیشه‌ای و عینی در نظام سعودی و انزوای علمای وهابی سنتی مورد توقع است؛ پدیده‌ای که توجه به آن در سیاست خارجی ایران اهمیت کاربردی دارد.

ضرورت: با عنایت به اینکه گذار عربستان سعودی به نظام سکولار در صورت تحقق، می‌تواند به طرح الگویی برای سایر کشورهای اسلامی در جهان اسلام منجر شود؛ می‌توان چنین ادعا کرد که بی‌توجهی و یا کم‌توجهی به این موضوع می‌تواند سیاست خارجی ایران را در مقام تحلیل و مدیریت شرایط آتی دچار مشکل سازد. با این تفسیر پژوهش حاضر دارای هم‌ضرورت نظری (تحلیلی) و هم عملی می‌باشد.

اهداف: تقویت دانش کارشناسی در جامعه علمی و دستگاه سیاست خارجی کشور، در خصوص رویکردها و سیاست‌های محمد بن سلمان، هدف اصلی این پژوهش را شکل

می‌دهد. فراتر رفتن از سطح توصیف در زمینه دلایل گذار از وهابیسیم سنتی به نظامی سکولار و همچنین شناخت پیامدهای سیاست‌های بن سلمان در عربستان و جهان اسلام، از جمله اهداف فرعی مقاله حاضر است.

سؤال‌ها و فرضیه: این پژوهش فرضیه‌آزما نیست. پرسش اصلی مقاله این است: تحولات اندیشه شناختی و عینی در عربستان سعودی در دوره بن سلمان را چگونه می‌توان تجزیه و تحلیل کرد؟ سؤال‌های فرعی نیز عبارت‌اند از: شواهد مؤید گذار عربستان سعودی در دوران بن سلمان، از وهابیسیم سنتی به نظامی سکولار کدامند؟ و پیامدهای محتمل این گذار چیستند؟

روش: این مقاله از حیث نوع، کاربردی و از حیث رویکرد محققان، تحلیلی می‌باشد. برای گردآوری داده‌ها از روش اسنادی و جهت تحلیل آنها از روش «نظریه مبنا» - نظریه ساختاری کارکردی جانسون - استفاده شده است.

۱. پیشینه پژوهش

بررسی نویسندگان نشان داد که آثار پژوهشی صورت گرفته در خصوص اصلاحات بن سلمان، محدود بوده و همچنین بیشتر از جنس پژوهش‌های همایشی و مصاحبه‌ها بوده است. این آثار را می‌توان در دو سطح بررسی کرد:

۱-۱. پیشینه موضوع در نشریه دانش سیاسی

موضوع تحلیل سیاست‌های بن سلمان در مقاله‌های نشریه دانش سیاسی تاکنون به صورت مستقل مورد بحث نبوده است؛ اما به صورت غیرمستقیم و در بیان سیاست‌های عربستان سعودی به شرایط این کشور اشاره‌هایی صورت گرفته است. در این ارتباط می‌توان به دو مقاله زیر ارجاع داد. حاجی یوسفی (۱۳۸۸) نقش تهدیدهای شیعیان را یکی از مهم‌ترین سیاست‌های سعودی‌ها و مفتیان اعظم این کشور در صدور ایدئولوژی وهابیسیم در منطقه دانسته است. هوشنگی (۱۳۸۸) نیز معتقد است از نگاه اسلام سنتی و وهابیسیم، مدرنیته یکی از مهم‌ترین عوامل تعمیق بحران و متعاقب آن خشونت در جهان است.

۱-۲. پیشینه موضوع در سایر منابع علمی

با توجه به رویکرد محققان، می‌توان آثار موجود را به دو دسته اصلی تفکیک کرد: الف. آثاری که به بررسی دشواری‌های اعمال اصلاحات بن سلمان پرداخته‌اند. در این بخش با آثاری مواجه هستیم که به صورت مستقیم به موضوع پرداخته و معتقدند که شرایط برای اصلاحات مساعد نیست. به عنوان مثال راندل (Rundell, 2020) معتقد است اصلاحات بن سلمان با چالش‌هایی از سوی نظام پادشاهی حاکم و همچنین جامعه عربستان مواجه خواهد شد. در نهایت نویسنده تلاش‌های بن سلمان را روبنایی - آن هم در حوزه‌های اقتصاد، فرهنگ و اجتماع - ارزیابی می‌نماید که در حوزه‌هایی مانند حقوق بشر و سیاست، عمیق و بنیادین نخواهند بود. هوبارد (Hubbard, 2020) معتقد است سیاست‌های بن سلمان به سبب شتابان بودن، عدم برنامه‌ریزی جامع و عدم توجه به نیازهای اصلی جامعه عربستان از سوی ائتلاف شاهزادگان مخالف و وهابیون سنتی این کشور، با چالش روبرو شده و ناکام خواهد بود.

ب. آثاری که به تبیین نتایج احتمالی اصلاحات بن سلمان پرداخته‌اند. در این گروه، اشاره‌هایی غیرمستقیم اما ایده‌بخش برای پیامدهای احتمالی اصلاحات بن سلمان آمده است. نویسندگان این آثار معمولاً مباحث عمومی‌ای در خصوص نتایج ناشی از تحولات عربستان ارائه داده‌اند. مسعودنیا (۱۳۸۸) به تأثیرات وهابیسیم سعودی در شکل‌گیری جنبش‌های خشونت‌آمیز در جهان اسلام پرداخته و مکتب وهابیسیم را به مثابه یکی از مهم‌ترین دلایل صدور خشونت و تروریسم در جهان اسلام معرفی نموده است. اکوانی و همکاران (۱۳۹۶) نیز به این نتیجه رسیده‌اند که سیاست پرهیزی یکی از نتایج مهم این تحولات خواهد بود.

چنان‌که ملاحظه می‌شود در نشریه دانش سیاسی اصولاً موضوع حاضر به صورت مستقل بحث نشده و از این حیث مقاله دارای نوآوری موضوعی است. در سایر منابع نیز رویکرد محققان مبتنی بر ارزیابی سیاست‌های بن سلمان بوده و بر این اساس از حیث رویکردی مقاله حاضر متمایز ارزیابی می‌شود.

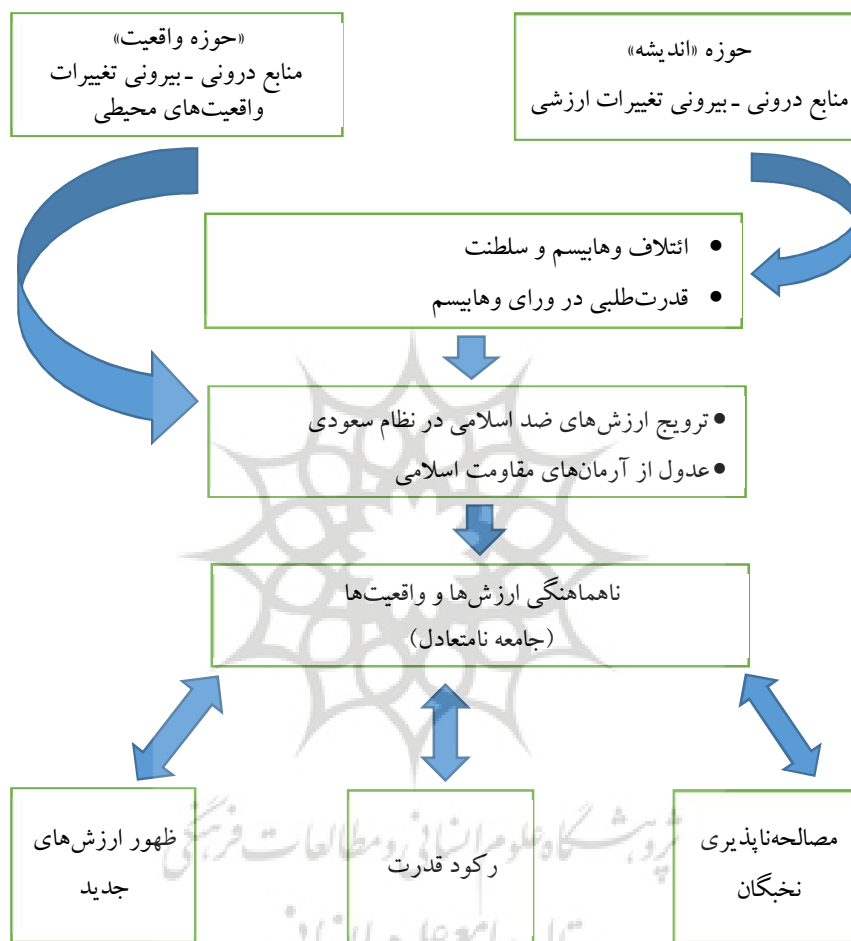
۲. مبانی مفهومی و نظری

چالمرز جانسون^۱، نظریه پردازی از مکتب کارکردگرایی است که نگاه وی در قبال

انقلاب با تأکید بر نظام‌های اجتماعی است. او یکی از نظریه‌پردازان شاخص رهیافت ساختاری - کارکردگرایانه پارسونزی است که به ارائه یک نظریه نظام‌مند در انقلاب می‌پردازد (خرمشاد، ۱۳۸۳، ص. ۸۹). وی معتقد است که ثبات در قیاس با انقلاب ارجحیت دارد. چرا که ممکن است در یک نظام اجتماعی متعادل، گاهی مجموعه‌ای از وقایع اتفاق بیفتد که تعادل و ثبات آن نظام آن را بهم بزنند (Robison, 2011, p. 17). در نگاه جانسون، وقوع تغییرها متأثر از چهار منبع می‌باشد (نعمی؛ کریمی و مرشدی‌زاد، ۱۳۹۲، ص. ۴۲):

یکم. منابع خارجی تغییر در ارزش‌ها (مثلاً: ورود عقاید و ایدئولوژی‌های خارجی)؛
دوم. منابع داخلی تغییر در ارزش‌ها (مثلاً: پیدایش عقاید و یا مصلحان)؛
سوم. منابع خارجی تغییر در محیط (مثلاً: تأثیرات انقلاب صنعتی بر جوامع)؛
چهارم. منابع داخلی تغییر در محیط (مثلاً: رشد جمعیت و پیدایش گروه‌های جدید).
این تغییرها ممکن است از راه‌هایی همچون پذیرش تحولات و یا اعطای امتیازات کنترل شوند و تعادل میان ارزش‌های حاکم و محیط برقرار گردد؛ اما چنانچه اگر کنترل صورت نگیرد متعاقب آن تعادل نیز بهم خورده و در نتیجه اختلال‌های چندگانه به وقوع خواهد پیوست. در این راستا، طبقه حاکم لاجرم برای برقراری تعادل به زور متوسل شده که ماحصل نهایی آن متزلزل شدن بنیان‌های مشروعیت طبقه حاکمه خواهد بود (جانسون، ۱۳۶۳، صص. ۴۲-۴۳). تزلزل در مبانی مشروعیت طبقه حاکمه از یک سو و ناتوانی در اعمال زور برای برقراری تعادل از سویی دیگر شرایط جامعه را بیش‌ازپیش به سمت وسوی تحقق انقلاب سوق خواهد داد، اما نکته که همواره برای جانسون از اهمیت بالایی برخوردار است مسئله هماهنگی یا عدم هماهنگی میان ارزش‌ها و محیط می‌باشد. در نگاه جانسون، وقوع تغییر و تحول یک امر طبیعی است و فی‌نفسه خطرآفرین نمی‌باشد، اما اگر تغییرات در نفس خود ارزش‌های حاکم بر جامعه را تحت تأثیرهای گسترده قرار دهد آنگاه می‌توان این مسئله را آغازگر خطرها و تهدیدهای بالقوه دانست (Pempel, 2011, p. 12).

شماره شکل (۱): عوامل ایجاد بی‌ثباتی و عدم تعادل در یک نظام سیاسی



(طراحی توسط نویسندگان)

۳. تحولات اندیشه‌ای عربستان سعودی: از ائتلاف و هابیسیم با آل سعود تا ظهور بن سلمان مطابق الگوی تحلیل ارائه‌شده، تغییرهای رخ داده ذیل عنوان اصلاحات بن سلمان ریشه در تحولات حوزه اندیشه در این کشور دارد که به‌طور مشخص با وهابیسیم در ارتباط است.

۳-۱. اتحاد وهابیسیم و سلطنت

وهابیسیم جنبشی مذهبی - ایدئولوژیکی است که از سوی محمد بن عبدالوهاب در قرن هیجدهم میلادی در عربستان بنا نهاده شد. این جنبش به لحاظ ایدئولوژیکی پیرو عقاید ابن تیمیه و به لحاظ فقهی پیرو مذهب حنبلی می‌باشد. وهابیت، هدف اصلی خود را پالایش اسلام از عقاید کفرآمیز و خرافات و مبارزه با هر گونه بدعت می‌داند. به همین دلیل پیروان این مکتب خود را موحدون یعنی کسانی که به آموزه‌های اصیل قرآن کریم و سنت واقعی حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پایبندند، تلقی می‌کنند (بن غنام، ۱۴۴۰ق، ص. ۱۳۱).

ریشه‌های اولیه اتحاد و ائتلاف وهابیون با سلاطین سعودی به قرون ۱۷ میلادی بازمی‌گردد. در آن اوان، نخستین حکومت سعودی که در ابتدا ماهیتی محلی و منطقه‌ای داشت از سوی سعود بن محمد شکل گرفت. در ادامه پسرش، محمد برای توسعه قلمرو حکومتی سعودی‌ها به این مسئله مهم واقف گردید که پیروزی و یا ائتلاف با قبایل موجود در سرزمین نجد، نیازمند یک حامی قدرتمند مذهبی است که مبانی مشروعیت اقدام‌های حکام سعودی را فراهم آورد. به همین سبب، وی در ائتلاف با محمد بن عبدالوهاب، مبانی مذهبی حکومت خود را یافت (معراج‌الدین، ۱۴۳۱ق، ص. ۶۱). وهابیت نیز با معرفی نمودن حکومت سعودی‌ها به عنوان تنها حکومت احیاگر سنت اصیل اسلامی، مخالف بدعت‌ها و هدایت‌گر مسلمین، مشروعیت‌های لازم مذهبی را برای بنای سلطنت سعودی‌ها فراهم آورد. وهابیسیم در آن بازه زمانی با تهدید مسلمانان سرزمین نجد در قبال هر گونه مخالفت و یا عدم پذیرش حکومت سعودی‌ها، آنان را مهدور الدم و در خوش‌بینانه‌ترین حالت، مصادره اموال و آوارگی تهدید می‌کرد (دحلان، ۱۴۳۸، صص. ۲۷-۲۶)؛ به عنوان مثال، نیروهای نجد (تحت کنترل محمد) که تحت تأثیر آموزش‌های ایدئولوژیکی وهابیسیم قرار گرفتند، به بهانه مبارزه یا بدعت‌های نوظهور، به منطقه الاحساء حمله کرده و تمامی مساجد و حسینیه‌های شیعیان را نابود کردند (بن مرزوق، ۱۴۲۹، ص. ۲۳۷). با گذر زمان میزان اتحاد میان سعودی‌ها و وهابیسیم توسعه چشمگیری یافت. به این صورت که میزان نفوذ سعودی‌ها بر سرزمین حجاز توسعه می‌یافت و وهابیسیم نیز روزبه‌روز بر مرجعیت مذهبی خود می‌افزود (Valentine, 2015, p. 126). اوج ائتلاف وهابیسیم و آل سعود، ازدواج محمد با یکی از

دختران محمد ابن عبدالوهاب بود (الشطی، ۱۴۳۶ق، ص. ۴۹).

این ائتلاف و اتحاد در عصر کنونی نیز به قوت خود باقی است به این صورت که خاندان آل شیخ (نوادگان محمد بن عبدالوهاب) در سمت عالی‌ترین مراجع مذهبی عربستان سعودی قرار دارند و آل سعود نیز خاندان سلطنت و حکومت در این کشور می‌باشند. به‌دیگرسخن، مرجعیت مذهبی با وهابیون و مرجعیت سیاسی و اقتصادی با آل سعود است (سلیمان البغدادی، ۱۴۲۸ق، صص. ۹۲-۹۱). نکته مهمی که نباید از آن غافل شد این است که همواره مرجعیت مذهبی در عربستان سعودی در طول مرجعیت سیاسی این کشور قرار می‌گیرد نه در عرض و همراستای آن. به‌دیگرسخن، مفتیان وهابی خاندان آل شیخ در عربستان عزل و نصب، بقا و مرجعیت مذهبی خود را از خاندان سلطنت آل سعود می‌گیرند (نابلسی، ۱۴۴۰ق، ص. ۷۸). در همین راستا عنوان مفتی اعظم که به عالی‌ترین مرجعیت مذهبی وهابی در عربستان اطلاق می‌گردد، از سوی پادشاه این کشور اعطا می‌گردد؛ همچنین، «هیئت الکبار العلماء» اصلی‌ترین مرجع مذهبی در عربستان سعودی است که شامل ۲۱ مفتی ارشد وهابی است که رئیس این گروه، مفتی اعظم نام دارد که در حال حاضر شیخ عبدالعزیز بن عبدالله آل‌الشیخ می‌باشد. این هیئت نخستین بار با حکم رسمی ملک فیصل، پادشاه وقت سعودی تشکیل شد که نخستین وظیفه آن مشروعیت‌بخشی مجموعه اقدام‌های سیاسی پادشاهان سعودی می‌باشد (DeLong-Bas, 2010, pp. 6-7).

۲-۳. قدرت‌طلبی در ورای وهابیسیم

از رهگذر تحلیل تاریخ تحول سیاسی و اجتماعی عربستان می‌توان چنین اظهار داشت که نظام سیاسی در عربستان بر محور قدرت‌طلبی سعی دارد وهابیسیم سنتی را متحول ساخته و گونه‌ای خاص از آن را عرضه بدارد که در خدمت سیاست قدرت بن سلمان قرار دارد. وجوه این تحول از منظر قدرت عبارت‌اند از:

الف. کسب مشروعیت: مشروعیت را می‌توان نخستین مولفه اثرگذار روابط میان وهابیون و پادشاهان سعودی دانست. اصولاً ساختار قبیله‌ای و ماهیت مذهبی و محافظه‌کارانه در عربستان به نحوی است که فرامین و اقدام‌های پادشاهان سعودی بایستی مهور به مهر تأییدات مذهبی برسد. به‌همین سبب تمامی پادشاهان سعودی و

فرامین سیاسی، اقتصادی، نظامی و حتی فرهنگی آنان به نوعی از سوی مفتیان اعظم سعودی مهر مشروعیت می خورد.

ب. **ارتداد مخالفان:** مفتیان وهابی هر گونه تلاش برای مبارزه و نامشروع جلوه دادن اقدامات پادشاهان سعودی را مصداق بارز الحاد و کفر تلقی کرده و حکم ارتداد و قتل مخالفین را صادر می کنند تا با این رویکرد، شکل گیری هر جنبش اعتراض و اپوزیسیون را در این کشور غیرممکن کنند. جالب آنکه در این رابطه حتی برخی از علمای وهابی که بعضاً با انتقادات هر چند جزئی، اقدام های دستگاه سلطنتی را نقد کنند محاکمه، زندانی و حتی اعدام می شوند. مهم ترین علمای وهابی محکوم شده در این راستا عبارت اند از: «شیخ علی العمری»، «شیخ عوض القرنی» و «شیخ سلمان العوده». در دادگاه شیخ سلمان العوده، وی به بهانه حمایت از تروریست ها و خیانت به نظام سعودی متهم و دادستان کل عربستان خواستار اعدام وی شد. شیخ عوض القرنی هم به زندان شعار در شهر ابها در جنوب عربستان منتقل شده است (فرزین راد؛ فروزان و عالیشاهی، ۱۳۹۸، ص. ۶۴).

پ. **قدرت و بقای وهابیت:** گذشته از مرجعیت مذهبی بالای وهابیون در عربستان سعودی امروزه برخی از وزارتخانه های مهم و اثرگذار نیز در اختیار آنان قرار دارد. وزارت حج، وزارت امور اسلامی، اوقاف و دعوت و ارشاد، دانشگاه اسلامی محمد بن سعود، سازمان رابط العالم الاسلامی، سازمان بین المللی امداد اسلامی، سازمان جهادی رفاه اسلامی و مجمع جهانی جوانان اسلامی نهادها و وزارتخانه های مهمی هستند که تحت اختیار خاندان آل شیخ قرار دارد (یلماز، ۱۴۴۱ق، صص. ۱۲۲-۱۱۹).

ت. **انحصار:** همان گونه که خاندان آل شیخ در توجیه اقدامات پادشاهان سعودی، هر گونه مخالفت و تقابلی با خاندان سلطنت را مصداق کفر و الحاد تلقی نموده و حکم ارتداد مخالفین و اعدام آنان را صادر می کند تا انحصار قدرت و سلطنت را در ید خاندان آل سعود نگه دارد، پادشاهان سعودی نیز چنین رویکردی را در قبال خاندان آل شیخ و مفتیان وهابی این کشور اتخاذ می کنند. به این صورت که در یک تعامل دوسویه، مرجعیت مذهبی در انحصار خاندان آل شیخ قرار می گیرد و مرجعیت سیاسی در انحصار آل سعود. در این راستا، پادشاهان سعودی هر گونه خطر و تهدیدهای بالقوه قبایل

هفتاد و دو گانه موجود در سرزمین حجاز را از خود دور کرده و خاندان آل شیخ نیز ظهور هرگونه رقیب و تهدیدهای مذهبی را با توجه به حمایت‌های فزاینده پادشاهان سعودی از خود دفع می‌کنند (بن عبدالوهاب، ۱۴۴۱ق، صص. ۶۹-۶۸).

با حضور محمد بن سلمان در سمت ولایتعهدی عربستان سعودی، روابط وی با مرجعیت و اندیشه‌های وهابیسیم دچار شکاف‌های بعضاً عمیقی شد. بن سلمان شخصیتی جوان و جاه‌طلب دارد و ارتباطات گسترده وی با غرب، تمایلات فزاینده‌ای در وی برای گذار نظام عربستان به سمت وسوی یک نظام توسعه‌یافته غربی ایجاد کرده است. به همین سبب بن سلمان طیف وسیعی از اقدامات و برنامه‌های اصلاحی را در نظام سعودی در حال اجراست و این مسئله به بسط چالش‌های روزافزون میان وی و علمای وهابی دامن زده است. البته بایستی اذعان داشت که روند گذار عربستان سعودی به سمت وسوی یک نظام سکولار، مدت بسیار کوتاهی است که آغاز شده است. در واقع روند این گذار در مراحل ابتدایی خود به سر می‌برد.

با تحدید مرزهای قدرت خاندان آل شیخ در عربستان از سوی محمد بن سلمان و طراحی و اجرای سیاست‌های نوسازی در این کشور بدیهی است که انزوای تدریجی مرجعیت قدرتمند مذهبی وهابی در نظام سعودی در دستور کار بن سلمان قرار گیرد. از یک سو، مبارزه با افراط‌گرایی حاکم بر عقاید وهابیسیم و از سوی دیگر، حمایت‌های وسیع متحدین غربی از شکل‌گیری جامعه‌ای نوین در عربستان، بن سلمان را بیش از پیش راغب به اعمال اصلاحات وسیع کرده است (آدمی و بهادرخانی، ۱۳۹۷، ص. ۱۶). نکته مهم در این میان این است که با انجام اصلاحات عمیق سیاسی و مذهبی از سوی بن سلمان جایگاه مشروعیت‌بخش حکومت وی کجاست؟ به دیگر سخن، با انزوای تدریجی وهابیون سنتی و رادیکال، کدام نهاد در ادامه مشروعیت‌بخش اقدامات و سیاست‌های بن سلمان خواهد بود؟ به تعبیر نویسندگان یکی از تلاش‌های مهم بن سلمان در این راستا، جدایی دین وهابیت از مظاهر زندگی سیاسی و اجتماعی در عربستان است. به دیگر سخن، وی می‌کوشد خوانشی نوین از مذهب ارائه دهد، خوانشی که مبتنی بر شخصی‌گرایی دین، نفی افراط‌گرایی از مذهب، تساهل و پذیرش آراء و در نهایت تحقق اسلام میانه در این کشور است؛ بنابراین مشخص است که چنین آرا و اندیشه‌هایی از سوی بن سلمان در گام نخست با مخالفت‌های جدی وهابیون مواجه

شده و به انزوای تدریجی آن منتهی خواهد گشت. از طرفی دیگر، به‌رغم ساختار سنتی، مذهبی و محافظه‌کار جامعه سعودی، بن سلمان به‌سان اسلاف خود در پی ایجاد مشروعیت مذهبی و انحصاری از خاندان وهابی نیست بلکه وی درصدد ایجاد نوعی مشروعیت و حمایت از طیف‌های مختلف و جدید در نظام سعودی است؛ طیف‌هایی همچون تکنوکرات‌ها، جوانان، بانوان، تحصیل‌کرده‌ها و روشنفکران غربگرا.

۴. تحولات واقعیت‌های محطی: از ترویج ارزش‌های ضداسلامی تا عدول از مقاومت

تحولات محیطی در دو حوزه داخلی و خارجی قابل بررسی و تحلیل است:

۴-۱. تحول در عرصه محیط داخلی؛ ترویج ارزش‌های ضداسلامی در نظام سعودی

اصولاً عربستان سعودی به سبب تاریخ ظهور اسلام و وجود اماکن مقدس در این کشور، دارای بعد معنوی است که عموم محققان به آن اشاره دارند (برزگر، ۱۳۷۴، ص. ۱۳۱). به‌همین سبب، بسیاری از پادشاهان این کشور در طول تاریخ بعضاً برخلاف میل باطنی خود مجبور به رعایت اصول مذهبی و خویشتن‌داری و پرهیز از اجرای بسیاری از سیاست‌ها و برنامه‌هایی که به انحای مختلف در تضاد و تناقض با امور شرعیه اسلامی قرار می‌گیرد، بودند. تا پیش از بن سلمان، علما وهابی در عربستان وجود و فعالیت هرگونه فعالیت‌های مرتبط با غنا، آوازخوانی، برگزاری کنسرت و موارد این‌چنینی را حرام اعلام کرده و با مسیبان آن به شدیدترین وجه برخورد می‌نمودند (Alishahi and Forouzan, 2018, p. 5). یا حضور بن سلمان در قدرت، نه تنها حرمت شرعی این مسئله ملغی شد، بلکه بن سلمان شخصاً با تأسیس «هیئت ترفیه» کاملاً از چنین اقداماتی حمایت نمود. از طرفی اعطای قانون آزادی فروش مشروبات الکلی در برخی از مکان‌های تفریحی و فرهنگی، اوج اعتراضات وهابیون به سیاست‌های بن سلمان بود، اما بن سلمان اعتنایی به چنین اعتراض‌هایی نکرد و با تأسیس شهر اختصاصی - تفریحگاهی با عنوان «قدیه» - که بسیاری از تحلیلگران این اقدام بن سلمان را الگوبرداری از شهرهای تفریحی غرب همچون «دیزنی‌لند^۲» و لاس‌وگاس در ایالات متحده می‌دانند - علنی نشان داد الگوی توسعه غربی و در راستای تحقق سکولاریزم در نظام سعودی گام برمی‌دارد. بن سلمان در توجیه این اقدام، چهار علت

اصلی را نام برد: وجود مکان‌هایی شاد و جذاب و جدید برای جوانان سعودی؛ ایجاد درآمدزایی داخلی برای عربستان سعودی و عدم وابستگی محض به درآمدهای نفتی؛ حضور مردم کشورهای منطقه در این مناطق و افزایش درآمدهای مرتبط با گردشگری؛ و بالاخره حل‌وفصل مشکلات بین‌المللی و حضور آزادانه خوانندگان زن و مرد بین‌المللی در برگزاری مراسم‌های مختلف در عربستان (Hosseinpour; Mahipour) (and Alishahi, 2019, pp. 47-48).

۴-۲. تحول در عرصه محیط خارجی؛ (عدول از آرمان مقاومت اسلامی)

بافت مذهبی عربستان سعودی در کنار ساختار رگه‌های قدرتمند ناسیونالیستی (عرب) همواره مانع بزرگی در برقراری روابط مجدد با رژیم صهیونیستی بوده است. در این راستا، به سبب حمایت طیف وسیعی از مسلمان جهان اعم از شیعه و سنی از آرمان‌های قدس، بسیاری از پادشاهان سعودی علی‌رغم میل باطنی خود (به‌ویژه در عصر جدید) که تمایل به رسمی شدن روابط با این رژیم داشته‌اند، اما در عمل نتوانسته‌اند این مسئله را پیگیری کنند. پس از حضور بن سلمان در عرصه قدرت، صهیونیست‌ها با رضایت قابل توجهی از این مسئله استقبال کردند. در این راستا، «اسرائیل کاتز» وزیر حمل‌ونقل رژیم صهیونیستی پس از ولیعهدی محمد بن سلمان از کشورهای عربی خواست تا گام بیشتری برای مذاکره با اسرائیل بردارند. وی همچنین از سلمان بن عبدالعزیز شاه سعودی خواست تا کشورهای عرب حوزه خلیج فارس را برای برداشتن گامی واقعی در مسیر مذاکره با اسرائیل رهبری کند. از سویی دیگر، همچنین برخی رسانه‌های صهیونیستی با ابراز خشنودی از ولیعهدی بن سلمان، آغاز به افشای روابط پشت پرده دو رژیم کرده و از دیدارهای محرمانه او با مقامات اسراییلی در خلال چهار سال اخیر خبر داده‌اند. روزنامه ی‌دی‌عوت آحارونوت نیز به نقل از منابع اطلاعاتی خاطر نشان ساخت که محمد بن سلمان دیدارهایی با مقامات اسراییلی داشته است و این مقامات با اسم مستعار و رمزگونه «پسر» بن سلمان را خطاب می‌کردند؛ همچنین برخی از سران اسراییلی معتقدند که محمد بن سلمان در به رسمیت شناختن اسراییل سیاست احتیاط را دنبال خواهد کرد، اما یقیناً در ادامه رویکرد سیاسی سعودی‌ها به سمت‌وسوی توسعه روابط با اسراییل پیش خواهد رفت تا جایی که ایجاد جبهه‌ای

واحد و همسو با همکاری عربستان - اسرائیل برای از بین بردن دامنه نفوذ جمهوری اسلامی ایران در لبنان، عراق، سوریه و یمن را می‌توان محتمل دانست (مسعودنیا؛ فروزان و عالیشاهی، ۱۳۹۵، صص. ۱۵۲-۱۵۱).

۵. ناهماهنگی ارزش‌ها و واقعیت‌ها

با عنایت به تحلیل ارائه‌شده در دو سطح نظری و عملی مشخص می‌شود که سیاست و حکومت در عربستان سعودی در حال حرکت به سوی جامعه‌ای نامتعادل است؛ که نمودهای آن عبارت‌اند از:

۵-۱. بن سلمان و اعمال محدودیت‌های فزاینده در قبال وهابیسیم

تا پیش از حضور بن سلمان، نظام سیاسی عربستان، کاملاً بسته و انحصار مطبوعات در ید خاندان سلطنت، شهروندان از تمامی حقوق سیاسی و مدنی محروم و زنان این کشور در بدترین وضعیت شهروندی قرار داشتند و همواره سیاست سرکوب در قبال مخالفان به شدیدترین وجوه ممکن اعمال می‌شد (حسینی و برزگر، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۶). با حضور بن سلمان در کسوت ولیعهدی که خود شالوده‌شکنی مهمی در روند انتقال قدرت به شمار می‌رفت، بسیاری از اندیشه‌ها و سیاست‌های محافظه‌کارانه و دگماتیستی مبنی بر اندیشه‌های وهابی در عربستان با تطوراتی عمیق مواجه شد. رویکردهای بن سلمان در راستای گذار از یک نظام سنتی و قبیله‌ای به سمت‌وسوی یک نظام توسعه‌خواه بسترساز این مسئله گردید که ذهنیت جامعه سعودی تغییرات شگرفی را در قبال مذهب، وهابیت، توسعه و الگوبرداری از غرب احساس نماید. در این رابطه چهار کلان دلیل را می‌توان ذکر نمود: یکم؛ ویژگی‌های شخصی بن سلمان و شخصیت مترقی خواه و اصلاح‌طلب او که ریشه در گرایش‌های غربی قوی او دارد، دوم؛ ارتباطات گسترده با غرب و کسب رضایت آنان از بن سلمان که وی صلاحیت اداره و پادشاهی نظام سعودی را داراست، سوم؛ کسب حمایت از جوانان سعودی و ایجاد یک طبقه وفادار از میان طیف‌های جوان، تحصیلکرده، روشنفکر و بانوان سعودی به جای اتکا به مرجعیت مذهبی و درنهایت عدم توفیق وهابیسیم سنتی در توسعه نظام سعودی (Bianco, 2018, p. 13-15).

در همین راستا، بن سلمان از ابتدای فعالیت، مبارزه با افراط‌گرایی موردنظر وهابیون را در دستور کار قرار داد. وی در نخستین اقدام، مرکز بین‌المللی «تقابل با اندیشه‌های افراط‌گرایی و رادیکالیسم» را بنا نهاد (Koelbl, 2020, p. 84). هر چند برخی از تحلیلگران اقدامات این‌چنینی بن سلمان را تلاش وی برای کسب رضایت ترامپ و حمایت‌های ضمنی از بن سلمان برای پادشاهی آینده وی می‌دانند، اما بایستی اذعان داشت که حتی اگر این تحلیل درست باشد، در نهایت علمای وهابی را بایستی بازنده این جریان دانست. هنگامی که بن سلمان نخستین و اصلی‌ترین نیاز کنونی جامعه عربستان را طرح و اجرای برنامه جامع توسعه در راستای تحقق نوسازی این کشور دانست در همان زمان، مفتی اعظم وهابی، الگوبرداری توسعه از کشورهای غربی را حرام دانست و در استدلال خود توسعه غربی را مصادف با اختلاط میان زنان و مردان نامحرم دانسته بود (البرصان؛ الحمد و الرشیدان، ۱۴۴۱ق، صص. ۵۶-۵۵). بن سلمان در ادامه با طرح سند توسعه ۲۰۳۰ سعودی، اعلام داشت که برای تحقق توسعه در عربستان لاجرم بایستی تغییرهای اساسی در ذهنیت‌ها و اندیشه‌های مردم ایجاد کرد، جمله‌ای که روزنامه نیویورک تایمز از آن به‌مثابه جنگ علنی بن سلمان علیه مفتیان ارشد سعودی یاد کرده است (Rundeel, 2020, pp. 194-195). اوج این چالش‌ها زمانی بود که بن سلمان، بسیاری از علما و مبلغان معروف را به‌سبب اندیشه‌های افراطی و رادیکال محاکمه و بازداشت کرد (Rundell, 2020, p. 117). بن سلمان در ادامه بسیاری از اختیارات «هیئت امر به معروف و نهی از منکر» موسوم به «الحسبه» که در زمان تمامی پادشاهان سعودی حضوری فعال داشتند را کاست تا جایی که این گروه هم‌اکنون علناً توانایی اعمال قدرت خاصی را ندارد (Hubbard, 2020, p. 246).

۲-۵. حذف آموزه‌های وهابیت از کتب آموزشی در عربستان

سومین اقدام محمد بن سلمان را پس از قدرت می‌توان حذف تدریجی آموزه‌ها و اندیشه‌های وهابی از کتب آموزشی و درسی در نظام تحصیلی عربستان سعودی دانست. در این رابطه، بن سلمان نظام آموزشی سعودی‌ها را با تغییرات گسترده‌ای مواجه نمود. تغییراتی که بسترساز اصلی ورود اندیشه‌ها و ارزش‌های جدید به نظام آموزشی این کشور خواهد شد. وی در اولین گام، در راستای تحقق آموزش نوین دانش‌آموزان

سعودی، برنامه آگاه‌سازی اسلامی را به دلیل ترویج افراط‌گرایی در کلیه مدارس سعودی الغاء و تمامی کمیته‌های مرتبط با این برنامه را منحل کرد (شریف زنون، ۱۴۴۰ق، صص. ۲۹-۳۰). در گام دوم، به دستور بن سلمان، کتب آموزشی قدیم همگی جمع‌آوری و کتب جدید درسی به سرعت در حال تدوین و توزیع می‌باشند. کتب درسی جدید در نظام آموزشی جدید سعودی بر این محور استوار است که اولاً، در آن سخنی از ویژگی‌های حکومت اسلامی حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و حتی خلفای راشدین عنوان نشود و ثانیاً عقاید وهابی و نظریه‌های ابن تیمیه کاملاً پاکسازی شده و کتاب‌های جایگزین با محوریت تسامح، تساهل، مدارا و دوستی و صلح ارائه شوند. اقدامات بن سلمان در این راستا تنها به حذف آموزه‌های وهابی از کتب آموزشی و درسی سعودی‌ها منتهی نشد. وی در اقدامی شدیدتر، بیش از ۱۲ هزار معلم و استاد دانشگاه با گرایش‌های وهابی را منفصل از خدمت و حتی بازداشت کرد. در ادامه به دستور بن سلمان تمامی معلمان حاضر در نظام عربستان سعودی که اصالتی عراقی، مصری، اردنی و سوری داشتند و مروج اندیشه‌های وهابی بودند از این کشور اخراج شدند (احمد جبریل، ۱۴۴۲ق، صص. ۸-۹).

۶. پیامدها

مهم‌ترین پیامدهای ناشی از تغییرات مدیریت شده بن سلمان در دوره جدید را می‌توان به شرح زیر فهرست کرد:

۱-۶. مصالحه‌ناپذیری نخبگان

به‌طور قطع انزوای وهابیون (از سوی بن سلمان) که مدت‌های طولانی از قدرت و ثروت فراوانی در نظام سعودی برخوردار بوده، می‌تواند بستر ساز طرح و اجرای توطئه‌های متعددی از سوی آنان علیه بن سلمان گردد. از انواع مهم‌ترین وجوه مصالحه‌ناپذیری نخبگان، به‌ویژه علمای وهابی و دیگر نخبگان عربستان که ممکن است علیه بن سلمان و اصلاحات وسیع او صورت پذیرد، می‌توان به کودتا اشاره داشت که در تاریخ این کشور به اشکال مختلف به‌کار گرفته شده است. بن سلمان همواره به خاندان آل شیخ و مرجعیت مذهبی به‌سان رقیبی مهم که همواره سهم خود را از قدرت در عربستان مطالبه

کرده، نگرسته است. چنین نگرشی در قبال بخش مهمی از شاهزادگان و مدعیان قدرت سعودی نیز مصداق دارد. به همین دلیل با انتصاب بن سلمان در مقام ولایتعهدی وی، بخش مهمی از مدعیان قدرت را زندانی و محاکمه و بخش مهمی از مرجعیت مذهبی وهابی را خلع و برکنار کرد. این مسئله زمانی از سوی بن سلمان روند سریع‌تری به خود یافت که در ائتلافی پنهانی میان محمد بن نایف ولیعهد سابق عربستان، چندین تن از مرجعیت ارشد وهابی سعودی و چند شاهزاده دیگر عربستانی طرح کودتای قریب‌الوقوع علیه محمد بن سلمان را برنامه‌ریزی کردند. این در حالی است که پیش‌تر نشریه فرانسوی اینتلجنس آنلاین در شماره ۷۸۰ خود به دیدار محمد بن نایف با مقامات رده بالای دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی آمریکا همچون جان کلی وزیر امنیت داخلی و توماس بوسرت مشاور ضدتروریسم ترامپ در می ۲۰۱۷ اشاره کرده است (فرزین‌راد؛ فروزان و عالی‌شاهی، ۱۳۹۸، ص. ۷۴).

۲-۶. رکود قدرت در دوره پساترامپ

بن سلمان در آغاز سمت ولایتعهدی از حمایت‌های بسیار جمهوری خواهان و شخص دونالد ترامپ برخوردار بود. به همین سبب، اقدام‌هایی نظیر انعقاد قرارداد حیرت‌انگیز نظامی به مبلغ ۵۰۰ میلیارد دلار و حمایت‌های کلان اقتصادی و تجاری از طرح‌های اقتصادی و تجاری ترامپ در ایالات متحده همواره روابط حسنه‌ای میان وی و ترامپ ایجاد کرده بود. در واقع بن سلمان برای کسب حمایت‌های ترامپ از اقداماتش، به‌الاجبار چنین باج‌های کلان اقتصادی را به وی پرداخت می‌کرد. اقدام‌هایی نظیر ترور جمال قاشقچی، اتهام‌های گسترده بن سلمان در دادگاه‌های بین‌المللی به سبب نقض آشکار حقوق بین‌المللی، اتهام‌های وسیع منطقه‌ای و بین‌المللی به وی در جریان جنگ یمن، چالش‌های عدیده وی در مسائلی همچون اعدام و شکنجه و حقوق بانوان در نظام سعودی که همگی به نوعی با حمایت‌های ترامپ و توشده بود را می‌توان در این راستا نام برد. بن سلمان که از پیروزی ترامپ در انتخابات صورت گرفته سال ۲۰۲۰ به نوعی اطمینان داشت، مساعی خود را به سمت‌وسوی ایفای نقش مستقیم و غیرمستقیم برقراری مجدد روابط سیاسی اعراب خلیج فارس همچون امارات، بحرین، و عمان با اسرائیل نموده بود تا طرح معامله قرن به بهترین نحو مطمح نظر ترامپ و صهیونیست‌ها

رقم بخورد، اما شکست ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری و پیروزی جو بایدن رقیب دموکرات ترامپ، معادلات سیاسی بن سلمان را تا حد زیادی برهم زد. این مسئله زمانی رنگ‌وبوی واقع‌تری به خود می‌یابد که بایدن در برخی از سخنرانی‌های پیش و حین کارزار انتخابات، مکرراً سعودی‌ها بالاحص محمد بن سلمان را تهدید به بازخواست‌های حقوقی و سیاسی نموده بود. چنین مسئله‌ای یعنی شکست ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده را وقتی در کنار اعتراض نخبگان مذهبی عربستان یعنی علمای اعظم وهابی، نارضایتی‌های وسیع شاهزادگان مدعی قدرت و رقبای سیاسی بن سلمان و در نهایت شیعیان معترض سیاست‌های بن سلمان قرار دهیم، خطر رکود قدرت و انزوای بن سلمان بیش‌ازپیش ملموس خواهد شد.

۶-۳. ظهور ارزش‌های جدید

مهم‌ترین نمود تحولات بن سلمان که در عرصه ارزش‌های سیاست و حکومت در این جامعه می‌توان شناسایی کرد عبارت‌اند از:

الف. ظهور جریان هواداران لیبرال دموکراسی در عربستان سعودی: از اقدام‌های مهم بن سلمان در دوره ولایتعهدی حمایت‌های وسیع او از طیف‌های رسانه‌ای و مطبوعاتی داخلی هوادار جریان لیبرال دموکراسی است. پیشتر در نظام عربستان سعودی هر گونه حمایت از اندیشه‌ها و سیاست‌های مرتبط با جریان‌های لیبرال، جرم بزرگی محسوب می‌شد چراکه آشنایی با اندیشه‌های لیبرال دموکراسی خطر بزرگی برای پادشاهان سعودی و مفتیان وهابی این کشور تلقی شده و بسترساز آشنایی جامعه عربستان با مفاهیمی همچون مجلس، آزادی، مشروطیت، نظارت، فسادستیزی، پاسخگویی و... می‌شد (Qadhi, 2020, p. 22). مفتیان اعظم وهابی خطرهای فزاینده رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی را به‌خوبی دریافته بودند. این مسئله به‌ویژه در مسائلی همچون جهاد نکاح، قتل قاشقچی و برخی دیگر از فتاوی‌های عجیب مفتیان که در شبکه‌های اجتماعی و برخی از رسانه‌ها جنجال بزرگی ایجاد کرده بود، به‌خوبی قابل درک است. به‌همین دلیل خاندان آل شیخ در فتوایی عجیب اعلام داشتند: «رسانه‌ها می‌خواهند اوضاع را دگرگون کنند و زنان بر مردان مسلط شوند»؛ بنابراین بسیاری از رسانه‌ها از مشروعیت مذهبی برخوردار نیستند (Riedel, 2019, p. 81). اما با حضور بن سلمان در

عرصه قدرت بسیاری از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی حامی اندیشه‌ها و جریان‌های غربی نه تنها از خطرهای فتاوی مرجعیت مذهبی رها شدند که مورد حمایت‌های وسیع بن سلمان نیز قرار گرفتند. بن سلمان در این راستا ابتدا، به کاهش شدید حوزه اختیارات سازمان امر به معروف و نهی از منکر عربستان سعودی که در استیلا کامل و مطلق آل شیخ قرار داشت مبادرت نمود. وی سپس به صورت مستقیم به حمایت از نهادها و افرادی برآمد که جریان وهابیسیم این کشور را به باد انتقادهای اندیشه‌ای و عملکردی قرار داده بودند؛ به عنوان مثال، برخی از روشنفکران حامی جریان لیبرال در عربستان سعودی که شدیدترین انتقادات را علیه وهابیون این کشور ابراز داشته و آنان را حامیان خشونت و بربریت در تاریخ سعودی قلمداد نمودند^۴ نه تنها از سوی دستگاه سلطنت سعودی بازداشت و مورد محاکمه قرار نگرفتند که در ادامه مستقیماً از سوی بن سلمان مورد حمایت‌های وسیع ساختاری و ابزاری برای توسعه رویکردهای روشنفکری در رسانه‌های سعودی واقع شدند (Wald, 2018, p. 46). اوج اقدام‌های بن سلمان در این رابطه را می‌توان آغاز به فعالیت شبکه‌های ماهواره‌های «روتانا» و «السعودیه ۲۴»^۵، آغاز به کار رسمی حساب توئیتری با عنوان «نحو الحریه»^۶ که اندیشه‌های وهابیسیم سنتی را در عربستان به مثابه یک جریان دگماتیسم تلقی کرده و انتقادهای بسیار تندی را علیه آنان مطرح می‌کنند، بدون آنکه مورد بازخواست و محاکمه واقع شوند (Koelbl, 2020, p. 117).

ب. استحاله عمیق در وضعیت حقوقی زنان: تا پیش از ولایتعهدی بن سلمان، زنان در نظام سعودی از کمترین حقوق مادی و شهروندی برخوردار نبودند. وهابیسیم سنتی آل شیخ به مثابه بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مرجعیت مذهبی نه تنها کمترین ارزش‌ها را برای زنان این کشور در نظر نمی‌گرفت، بلکه با فتاوی بعضاً بحث‌برانگیز، جنجال‌های مذهبی و اخلاقی فراوانی را برمی‌انگیزتند که نمونه بارز و جدید آن فتاوی جهاد نکاح بوده است (الفقیه، ۱۴۴۱ق، ص. ۶). برخی دیگر از مورد بحث‌برانگیزترین فتاوی علما و زعمای وهابی در قبال زنان سعودی عبارت‌اند از: رانندگی برای زنان سعودی حرام است؛ آموزش و تحصیلات در سطوح بالا برای زنان حرام است؛ طلاق زنان از سوی همسرانشان تنها با یک پیامک ممکن است؛ خوابیدن زنان سعودی در کنار دیوار (به دلیل

آنکه واژه دیوار در عربی مذکر است) حرام است؛ حضور دختران در مکان‌های خلوت حتی با پدرانشان حرام است؛ زیارت قبور برای زنان سعودی حرام است؛ حضور زنان در انتخابات و رأی آنان (به سبب نقص عقل زنان) نامشروع و حرام است؛ زنان رقاصه بدون پوشش می‌توانند نماز بخوانند؛ استفاده زنان از اینترنت حرام است؛ حضور زنان در تشییع جنازه حرام است؛ داشتن شناسنامه برای زنان حرام است (وردانی، ۱۴۳۹ق، صص. ۳۹-۳۷). چنین فتاوی‌ای بحث‌برانگیزی همواره دامنه اعتراض‌های بسیاری از جوانان، تحصیل‌کرده‌ها و زنان سعودی را به همراه داشته است. این مسئله به‌ویژه با گذر به عصر ارتباطات، تحقیر و استهزاء وسیع مفتیان اعظم سعودی از سوی کاربران شبکه‌های اجتماعی و اتهام‌های وسیع سازمان‌های بین‌المللی، حقوق بشر از یک‌سو و آشنایی و روابط وسیع بن سلمان با متحدین آمریکایی همچون ترامپ و کوشنر بستر ساز تغییرهای وسیع در قبال زنان سعودی شد. برخی از مهم‌ترین تغییرها عبارت‌اند از: حضور زنان در سطوح عالی‌ه دانشگاه‌ها، حق رانندگی برای زنان سعودی، حضور بانوان سعودی در استادیوم‌های ورزشی، منع حجاب اجباری زنان سعودی، تدوین قانون مبارزه با آزار و اذیت زنان سعودی از سوی همسران یا خانواده‌هایشان، انتصاب خانم «ایمان عبدالله الغامدی» به‌عنوان معاون شهردار در استان «الخیر» برای نخستین‌بار در تاریخ سعودی و انتصاب خانم «فاطمه سالم باعشن» به‌عنوان نخستین سخنگوی زن سفارت عربستان سعودی در واشینگتن در تاریخ این کشور. بن سلمان در نهایت در اقدامی بحث‌برانگیز که بسیاری از تحلیلگران آن را توهین مستقیم به علمای وهابی می‌دانند، صدور فتوا از سوی زنان مفتی را در عربستان آزاد اعلام کرد. چنین اقدامی از سوی بن سلمان انحصار ۴۵ ساله مفتیان وهابی را برای صدور فتوا پایان داده و مرجعیت مطلق مذهبی آنان را به شدت به چالش کشید (Ulrichsen, 2019, pp. 3-4).

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با هدف تجزیه و تحلیل اصلاحات محمد بن سلمان و تلاش وی برای گذار نظام وهابی و محافظه‌کار عربستان به یک نظام توسعه‌خواه سکولار و تبیین پیامدهای این مسئله، تحقیق و تدوین شده است. نویسندگان با استفاده از نظریه جانسون معتقدند که کارکردهای ایدئولوژی وهابی در عربستان سعودی بیش از آنکه بسترساز تحقق توسعه در این کشور شود به بسته شدن هر چه بیشتر ساختارهای سیاسی و محرومیت فزاینده طیف‌های مختلف منجر می‌گردد. در واقع ائتلاف دوسویه آل شیخ و آل سعود قدرت و ثروت را در این دو قبیله منحصر کرده و جای هیچ‌گونه اعتراض و مخالفتی را برای دیگر طیف‌های حاضر در نظام سعودی باقی نگذاشته است. با ظهور محمد بن سلمان طرح و اجرای اصلاحات عمیق در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، آموزشی و فرهنگی عربستان مدنظر قرار گرفت. از طرفی دیگر بن سلمان که آغاز ولایتعهدی خود را با تأیید ایالات متحده و حمایت‌های وسیع آنان همراه می‌دید لاجرم توسعه عربستان سعودی را در تقلید از الگوهای سکولار غربی یافت؛ فرایندی که تحقق آن می‌تواند چندین پیامد را به همراه داشته باشد: انزوای ایدئولوژی وهابیسیم و ایدئولوگ‌های وهابی محافظه‌کار، جلوگیری و یا کاهش شدید صدور وهابیسیم و بنیادگرایی در منطقه، تغییر مرجعیت مشروعیت‌بخش در نظام عربستان سعودی از وهابیسیم به سکولاریسم و پیدایی نظام‌های ارزشی نوین در عربستان سعودی. به‌رغم انجام اصلاحات وسیع بن سلمان در نظام عربستان سعودی، این مسئله مهم را نباید فراموش کرد که بسیاری از سیاست‌های وی کماکان ذیل اقدام‌های سرکوب، خشونت و ترور قرار می‌گیرد. به‌دیگرسخن، بن سلمان در راستای تحقق اهداف و برنامه‌های خود هیچ‌گونه مخالفتی را بر نمی‌تابد. در نهایت بایستی اذعان داشت که پیامدهای سیاست‌های بن سلمان در قبال وهابیسیم سنتی و تلاش برای گذار از یک نظام سنتی مذهبی به یک نظام سکولار را می‌توان در سه مسئله کلان مصالحه‌ناپذیری نخبگان اعم علمای ارشد وهابی و شاهزادگان مدعی قدرت و سلطنت، رکود قدرت در پساترامپ و در نهایت ظهور ارزش‌های جدید در قالب تغییر مرجعیت مشروعیت‌بخش در نظام عربستان سعودی از وهابیسیم به سکولاریسم و جایگزینی طیف‌هایی همچون تکنوکرات‌ها، جوانان، بانوان، تحصیل‌کرده‌های غربگرا به جای وهابیون سنتی دانست.

یادداشت‌ها

۱. کلاینتالیسم رابطه‌ای ساختاری میان حامی (Paron) و پیرو (Client) است. حامی از کلمه پاترون به معنی بالادست یا فرد صاحب قدرت گرفته شده است. پیرو یا کارگزار (کلاینت) به معنی عامل زیردست است و کسی که به حامی خود خدمت می‌کند و در مقابل منافع اقتصادی و سیاسی می‌برد.

2. Chalmers Johnson

3. Disneyland Park

۴. یکی از این روشنفکران، دکتر عدنان ابراهیم، روشنفکر غرب‌گرای سعودی است که در رسانه‌های ملی سعودی بیشترین انتقادات را علیه خاندان آل شیخ ابراز داشته است.

۵. در این شبکه‌های ماهواره‌ای، حمایت‌های اقتصادی گسترده از نویسندگان، روزنامه‌نگاران، فعالان شبکه‌های اجتماعی و روشنفکران حامی جریان لیبرالیسم در نظام عربستان سعودی صورت می‌گیرد.

۶. به معنای به سوی آزادی

کتابنامه

آدمی، علی و بهادرخانی، محمدرضا (۱۳۹۷). «الگوی رفتاری عربستان سعودی در منطقه غرب آسیا و تأثیر آن بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: بحران یمن)»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۷(۴)، ۲۳-۱.

احمد جبریل، امجد (۱۴۴۲ق). *صنع السياسات العامه فی السعودیه (۲۰۱۵-۲۰۱۹)*. قاهره: المعهد المصری للدراسات.

البرصان، حمد؛ الحمد، جواد و الرشیدان عبدالفتاح (۱۴۴۱ق). *آفاق السياسه الخارجیه السعودیه فی عهد الملك سلمان بن عبدالعزيز*. امان: دائره المکتبه الوطنیه.

الشطی، حسن (۱۴۳۶ق). *النقول الشرعیه فی الرد علی الوهابیه*. امان: دار غار حراء. الفقیه، احسان (۱۴۴۱ق). *لهذا یقتلع بن سلمان السلفیه الوهابیه*. دوحه: دارالفکر العربی. اکوانی، حمدالله؛ عوض‌پور، مهدی؛ میراحمدی، منصور و سمیع اصفهانی، علیرضا (۱۳۹۶). «نقش مدرنیته در توسعه بنیادگرایی در جهان اسلام»، فصلنامه دانش سیاسی، ۱۳(۲۵)، ۶۹-۴۱.

برزگر، ابراهیم (۱۳۷۴). «تحولات سیاسی اجتماعی عربستان سعودی»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ۴(۴)، ۱۷۲-۱۳۱.

بن عبدالوهاب، سلیمان (۱۴۴۱ق). *الصواعق الالهیه فی الرد علی الوهابیه*. استانبول: مکتبه الاشیق.

بن غنام، حسین (۱۴۴۰ق). *تاریخ نجد*. بیروت: شرکه الصفحات الذهبیه.

- بن مرزوق، ابی الحامد (۱۴۲۹ق). *التوسل بالنبی و جهله الوهابیون*. استانبول: مکتبه الاشیق.
- جانسون، چالمرز (۱۳۶۳). *تحول انقلابی*. ترجمه حمید الیاسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۸). «هلال شیعی؛ فرصت‌ها و تهدیدها برای جمهوری اسلامی ایران، اعراب و آمریکا»، *فصلنامه دانش سیاسی*. ۵(۹)، ۱۹۲-۱۵۲.
- حسینی، سید محمدصادق و برزگر، ابراهیم (۱۳۹۲). «نظریه پنخش و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر عربستان سعودی»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*. ۱۰(۳۲)، ۱۸۸-۱۷۳.
- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۳). «بازتاب انقلاب اسلامی ایران در نظریه‌های انقلاب: تولد و شکل‌گیری نسل چهارم تئوری‌های انقلاب»، *فصلنامه جامعه‌شناسی ایران*. ۵(۳)، ۱۲۳-۸۶.
- دحلان، احمد زینی (۱۴۳۸ق). *فتنه الوهابیه*. بیروت: دارالفکر اسلامیه.
- سلیمان البغدادی، داود بن سید (۱۴۲۸ق). *المنحه الوهبیه فی الرد علی الوهابیه*. استانبول: مکتبه الحقیقه.
- شریف زنون، رفیع (۱۴۴۰ق). «تحدیات السیاسه الخارجیه السعودیه فی عهد الملک سلمان بن عبد العزیز»، *المجله شئون خلیجیه*. العدد ۲(۱)، ۱۱۸-۹۷.
- فرزین‌راد، رویا؛ فروزان، یونس و عالیشاهی، عبدالرضا (۱۳۹۸). «نئوپاتریمونیالیسم بن سلمان و تشدید چالش دولت - ملت در عربستان سعودی؛ ریشه‌ها و پیامدها»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*. ۱۸(۱)، ۷۷-۵۱.
- مسعودنیا، حسین (۱۳۸۸). «بررسی علل رفتار خشونت‌آمیز نیروهای اسلامی در پاکستان با تأکید بر طالبان‌سیم»، *فصلنامه دانش سیاسی*. ۵(۹)، ۲۱۸-۱۹۳.
- مسعودنیا، حسین؛ فروزان، یونس و عالیشاهی، عبدالرضا (۱۳۹۵). «جابه‌جایی قدرت در عربستان سعودی: تأثیرات تغییر ولایت عهدی بر ساختار سیاست خارجی عربستان سعودی»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*. ۸(۴۷)، ۱۷۲-۱۳۷.
- معراج‌الدین، حکیم (۱۴۳۱ق). *الاصول الاربعه فی تردید الوهابیه*. استانبول: مکتبه الاشیق.
- نابلسی، عثمان (۱۴۴۰ق). *الرویه الوهابیه للتوحید واقسامه عرض و نقد*. امان: دار النور.
- نعیمی، عباس؛ کریمی، شهناز و مرشدی‌زاد، علی (۱۳۹۲). «ارزیابی مقاله «ایران؛ استعمار سرخ و سیاه» به‌عنوان عامل شتاب‌زا در انقلاب اسلامی ایران» بر اساس تئوری تحول انقلابی چالمرز جانسون»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*. ۲(۶)، ۶۰-۳۹.
- هوشنگی، حسین (۱۳۸۸). «نقش مدرنیته در توسعه بنیادگرایی در جهان اسلام»، *فصلنامه دانش سیاسی*. ۶(۱۱)، ۲۱۰-۱۸۱.
- وردانی، صالح (۱۴۳۹ق). *ثقافه الارهاب فی کتب الوهابیه*. بیروت: دارالفکر الاسلامیه.
- یلماز، اشرف (۱۴۴۱ق). *رساله فی ابطال مذهب الوهابیه*. استانبول: مکتبه الاشیق.

- Alishahi, Abdolreza and Forouzan, Younes (2018). "The Islamic Revolution and the Pragmatist Policies of the Leaders of the Arab World: A Comparison of the Policies of Saddam Hussein and Mohammed Bin Salman", *Journal of Political Sciences & Public Affairs*. 6(4), 1-6.
- Bianco, Cinzia (2018). *Mohammad Bin Salman's Reforms: Obstacles, Opposition and Questions of Stability in Saudi Arabia*. London: The opinions expressed herein are strictly personal and do not necessarily reflect the position of ISPI.
- DeLong-Bas, Natana (2010). *Wahhabism*. London: Oxford University Press.
- Hosseinpour, Zahra; Mihdipour, Atieh and Alishahi, Abdolreza (2019). "Sociology of the Crisis in Saudi Arabia; Characteristics of Civil Society in Saudi Arabia since Crown Prince Mohammed Bin Salman", *Journal of Public Administration*. 1(2), 44-49.
- Hubbard, Ben (2020). *MBS: The Rise to Power of Mohammed bin Salman*. New York: Tim Duggan Books
- Koelbl, Sussane (2020). *Behind the Kingdom's Veil: Inside the New Saudi Arabia under Crown Prince Mohammed bin Salman*. New York: Tantor Audio.
- Nahouza, Nahouza (2018). *Wahhabism and the Rise of the New Salafists: Theology, Power and Sunni Islam (Library of Modern Religion)*. London: I.B. Tauris
- Pempel, Toni (2011). "The legacy of Chalmers Johnson", *Journal of Pacific Review*, 24(1), 1-14.
- Qadhi, Yasir (2020). *Salafism: Between Fact and Fiction*. London: Oneworld Publications.
- Riedel, Bruce (2019). *Kings and Presidents: Saudi Arabia and the United States since FDR (Geopolitics in the 21st Century)*. Washington, D.C: Brookings Institution Press.
- Robison, Richard (2011). "Fighting on all fronts: Chalmers Johnson's forty year intellectual war and his legacy", *Journal of Pacific Review*. 24(1), 15-26.
- Rundell, David (2020). *Vision or Mirage: Saudi Arabia at the Crossroads*. London: I.B. Tauris.
- Ulrichsen, Kristian (2019). *Mohammed bin Salman and Religious Authority and Reform in Saudi Arabia*. Houston: Rice University Press.
- Valentine, Simon (2015). *Force and Fanaticism: Wahhabism in Saudi Arabia and Beyond*. London: Hurst Publisher.
- Wald, Ellen (2018). *Saudi, Inc.: The Arabian Kingdom's Pursuit of Profit and Power*. Ohio: Dreamscape Media, LLC.
- Ward, Terence (2018). *The Wahhabi Code: How the Saudis Spread Extremism Globally*. New York: Arcade Publishing.



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علوم انسانی